

۱. آزمایش، علی، *تقریرات دروس حقوق جزای عمومی و اختصاصی*، دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳-۷۹.
۲. پیمانی، ضیاء‌الدین، *حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۷۷ ش.
۳. *مجموعه قوانین*.
۴. میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۱ ش.
۵. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، *مباحثی در علوم جنایی*، تقریرات سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۵.

پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره محدودیت‌های آن*

- دکتر شهرام ابراهیمی^۱ (استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز)
- دکتر ابراهیم رجبی (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی)

چکیده

جامعه به طور کلی، به دو صورت پیشگیری و سرکوبی از خود در برابر بزهکاری واکنش نشان می‌دهد. هرچه پیشگیری از جرم، در معنای جرم‌شناختی آن، یعنی خارج از نظام کیفری، مؤثرتر باشد، کمتر به مجازات احساس نیاز ایجاد می‌شود. اما به رغم این فایده روشن، امکان توسل به پیشگیری در برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی، مورد تردید قرار گرفته است. از سویی کارایی آن نیز در عمل، با محدودیت‌های مختلفی در حوزه‌های متعدد مواجه گردید: نوع جرایم، گونه بزهکاران، شیوه‌های مورد استفاده در پیشگیری، هزینه‌های به کارگیری تدابیر پیشگیرانه مختلف و حقوق و آزادی‌های فردی از جمله محدودیت‌هایی محسوب می‌شود که در این مقاله، به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۸.

واژگان کلیدی: پیشگیری، محدودیت، امکان، نظریه‌های جرم‌شناسی.

مقدمه

جرم‌شناسی به تعبیری از رشته‌های علوم مرکب است، بنابراین هم جنبه نظری دارد و هم جنبه کاربردی. از نظر کاربردی، جرم‌شناسی، همان طور که می‌دانیم دارای سه شاخه است: جرم‌شناسی بالینی، جرم‌شناسی حقوقی و جرم‌شناسی پیشگیرانه. هر یک از نظریه‌ها یا مکاتب غالب در جرم‌شناسی، ضمن تبیین جرم و علل ارتکاب آن، بلافاصله راهکارهای مبارزه یا پیشگیری از آن را نیز به طور ضمنی یا به طور صریح در فصل مجزایی مطرح می‌کنند. به دیگر سخن، هر نظریه جرم‌شناسی دست کم دو رو دارد؛ یک روی آن تبیین جرم و روی دیگر آن تبیین چگونگی کنترل، پیشگیری و به طور کلی مبارزه با آن است.

راهکارهای پیشگیرانه، به عبارتی به دو گونه عمده تقسیم می‌شود؛ پیشگیری ناشی از جرم‌انگاری، کیفرگذاری و محاکمات کیفری و اجرای محکومیت‌های کیفری که به آن پیشگیری کیفری از نوع عام (بازدارندگی) و خاص (پیشگیری از تکرار جرم) اطلاق می‌کنند. گونه دوم پیشگیری که ناشی از دستاوردهای جرم‌شناسی است، خارج از نظام کیفری اتخاذ و اعمال می‌شود؛ بنابراین قهرآمیز نیست که شامل پیشگیری اجتماعی و وضعی می‌گردد. بی تردید هر یک از گونه‌های پیشگیری از جرم و شیوه‌های مختلف آنها در مرحله اجرا و تجربه با موانع و محدودیت‌های عملی، حقوقی و مادی روبرو می‌شود و بدین‌سان تأثیر و کارایی هر یک را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. پیشگیری وضعی که امروز از رایج‌ترین گونه‌های پیشگیری در دنیا محسوب می‌شود و ظاهراً تا اندازه‌ای کارایی خود را نشان داده است، در عین حال با موانع و محدودیت‌هایی روبروست.

در مقاله حاضر بنا داریم از یک سو پیشگیری از جرم در نظریه‌های جرم‌شناسی و سپس محدودیت‌های ناظر به پیشگیری از جرم را بررسی نماییم.

امکان پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی

امکان توسل به پیشگیری، مورد قبول همه نظریه‌های جرم‌شناسی نیست. مکاتب

جرم‌شناسی که بیش یا کم به صورت آشکار، امکان پیشگیری مؤثر از بزهکاری را انکار می‌کنند، متعدد می‌باشند.

۱. پیشگیری در مکتب تحققی و نظریه عقلانی بودن جرم

جرم‌شناسی الهام گرفته از بینش تحققی، ضمن اعتقاد به جبرگرایی، علت بزهکاری را سازمان زیستی - روانی - اجتماعی افراد می‌داند (NUVOLONE, 1977: 283-292). ر این دیدگاه دسته‌ای از افراد با ویژگیهای زیستی - روانی خاص محکوم به ارتکاب جرم هستند، دسته‌ای که با انسانهای عادی به واسطه وجود نشانه‌های متعدد جسمانی و رفتارهای روان‌شناختی تفاوت آشکار دارند، یعنی بازماندگانی از انسانهای دوران اولیه در یک تمدن پیشرفته که نمی‌توانند خود را با محیط اطراف سازگار کنند و لذا ناسازگار باقی می‌مانند (کوسن، ۱۳۸۵: ۶۴).

اما فرضیه بنیاد نظریه انتخاب عقلانی، دقیقاً مخالف جبرگرایی لومبروزو است و اعتقاد دارد عمل بزهکار یک عمل سنجیده است، یک راه و وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. لذا از موقعیتها و فرصتها استفاده می‌کند و به منظور اجتناب از خطرات بیش از اندازه، احتیاطات لازم را انجام می‌دهد (صفاری، ۱۳۸۰: ش ۳۳-۳۴/۲۹۲ به بعد). با این نگاه، می‌توان واکنش احتمالی بزهکاران بالقوه را در موقعیت‌هایی که قصد ارتکاب جرم دارند پیش‌بینی کرد. بدین ترتیب، از جمع بین ملاحظات تجربی و تأملات نظری راجع به عقلانیت عمل جنایی پیش‌گیری وضعی متولد شد. نتیجه عملی این امر، این است که می‌توان از طریق اقدام در وضعیت و موقعیتها بر تصمیم بزهکاران بالقوه تأثیر گذاشت.

پیشگیری وضعی عبارت است از تغییر در موقعیت‌های خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، به منظور دشوار و پرخطر کردن یا جاذبه‌زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب دارند (گسن، ۱۳۷۶: ش ۱۹-۲۰/۶۰۷-۶۲۸). این راهبرد پیشگیری، از این تفکر نشئت می‌گیرد که عده زیادی از بزهکاران بالقوه کاملاً غیر عقلانی اقدام نمی‌کنند و از انطباق خود با وضعیت و موقعیتها ناتوان نمی‌باشند (FAGET, 2002: 140-160). نتیجه اینکه، تغییر در موقعیت‌های نزدیک به جرم، آنها را مجبور به پذیرش این

واقعیت می‌کند که منافع عدم ارتکاب جرم در وضعیت جدید، از ارتکاب آن بیشتر است. در واقع به جای سرمایه‌گذاری در پیش‌آمدگی فردی بزهکار، با کمک تدابیر خاص، از طریق مداخله در موقعیتها، تصمیمهای بزهکاران تحت الشعاع قرار داده می‌شود. لذا نظریه پیشگیری وضعی بر شش گزاره ذیل مبتنی است:

۱-۱. انتخاب عقلانی جرایم نتایج انتخاب موقعیتهاست (CUSSON, 2005: 147). در واقع مجرمان، متفاوت از دیگر انسانها نمی‌باشند. آنان قادر به انتخاب بوده، خود را با موقعیتها منطبق کرده و برای رسیدن به هدف یا حل مشکل از وسایل و شیوه‌های راحت‌تر استفاده می‌کنند (میرخلیلی، ۱۳۸۳: ش ۶۲/۱). بی‌تردید، کمبود وقت و اطلاعات و محدودیتهایی که مانع هر فرد انسانی در رسیدن به حداکثر فایده‌مندی است، مانع از آن می‌شود که آنها کاملاً عقلانی فکر و عمل کنند.

۲-۱. از یک سو، بیشتر انسانها بین انتخاب ارتکاب و عدم ارتکاب جرم مردد هستند. ضعف انسانی در بیشتر انسانها وجود دارد. از سوی دیگر، بزهکاران مزمن همانند ماشین خودکار مرتکب جرم نمی‌شوند، بلکه موقعیت‌سنج بوده و از فرصتها استفاده می‌کنند. این عده، به تحریکات و اکنش‌نشان داده و تحت تأثیر موقعیتها قرار می‌گیرند. بنابراین، دسته مذکور نیز دست به انتخاب می‌زنند، هرچند انتخاب آنها بیش از اندازه تحت تأثیر داده‌های فوری بوده و بی‌توجه به نتیجه درازمدت اعمالشان اقدام کرده باشند. به طور خلاصه، پیشگیری وضعی همچنان که بر اکثریت بزهکاران اتفاقی تأثیرگذار است، می‌تواند بر اقلیت بزهکاران مزمن نیز مؤثر واقع شود.

۳-۱. وضعیتهای پیش‌جنایی نیز انتخاب ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا این وضعیت، دورنمای بسیار متغیر از منافع، مشکلات و خطرات را بیان می‌کند. محاسبه هزینه - فایده در علت عمل جنایی (جرم) نقش دارد، به همین دلیل فراوانی یک گونه جرم با فرصتهای ارتکاب آن رابطه مستقیم دارد. در خصوص جرایم علیه مالکیت، زمانی که بزهکار بالقوه در مقابل یک آماج جذاب و آسیب‌پذیر قرار گیرد، موقعیت و وضعیت مناسب محسوب می‌شود.

متغیرهایی که یک وضعیت را مناسب ارتکاب جرم قرار می‌دهد عبارتند از: ۱- ویژگیهای بزه‌دیده (بی‌مبالاتی، تحریک، آسیب‌پذیری)، ۲- آماجها (اشیای

جذاب، قابل دسترس، آسیب‌پذیر و قابل حمل)، ۳- تسهیل‌کننده‌ها (اسلحه، الکل، مواد مخدر، اتومبیل و سایر وسایل)، ۴- محیط فیزیکی (تاریکی).

۴-۱. عوامل کلان در یک محیط مشخص، مانند: ۱- میزان آماجهای جذاب (اتومبیل، پول، ویدئو)، ۲- سبک زندگی مردم و احتیاطهای آنان (عادت افراد بزرگسال و جوانان به رها کردن منزل به طور روزانه جهت رفتن سر کار یا مدرسه که میزان زیادی از منازل را در معرض سرقت قرار می‌دهد)، ۳- مکان، زمان و محیط فیزیکی (ارتکاب جرایم بیشتر در خیابانهای کم‌روشنایی) و در دسترس بودن تسهیل‌کننده‌ها، یعنی وسایل و آلات که ارتکاب را ممکن یا تسهیل می‌کند.

۵-۱. ارتکاب جرم مستلزم تقارن زمانی و مکانی یک بزهکار انگیزه‌مند و یک آماج (بزه‌دیده) جذاب و جالب و آسیب‌پذیر است. این تقارن فرصت ایجاد می‌کند.

۶-۱. جرایم شدید، اغلب نتیجه استمرار ارتکاب جرایم خرد هستند. روابطی که جرایم خرد و جرایم شدید را به هم پیوند می‌دهد، در جرم‌شناسی شناخته شده است: - فردی که به ارتکاب جرم ساده عادت دارد، ممکن است به تدریج به سمت ارتکاب جرایم شدید تمایل پیدا کند.

- مرتکبان تکرار اغلب دمدمی مزاج هستند و جرایم متنوعی را مرتکب می‌شوند. - سارقان به عادت نوعی از زندگی را پیشه کرده‌اند که در آن، به طور طبیعی مواد مخدر و خشونت جایگاه بالایی دارد.

۲. پیشگیری در نظریه‌های جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسانی که آشکارا یا به طور ضمنی بر «بهنجار» بودن جرم تأکید می‌کنند، در توضیح شکست تجربه‌های پیشگیری از جرم معتقدند، جرم پدیده‌ای «بهنجار» است و حتی برای آن کارکردهای اجتماعی (متحول کردن اخلاق جامعه، از یک سو و امکان تشخیص اعمال مجاز، از سوی دیگر) نیز قائل می‌شوند و بدین ترتیب دورنمای تحقق جامعه‌عاری از جرم را غیر واقع‌بینانه ترسیم می‌کنند. به عنوان مثال، دورکیم معتقد بود که جرم در همه مکانها و زمانها در طول تاریخ وجود داشته است و بشر، به رغم استفاده از مجازاتهای شدید، نتوانسته آن را مهار کند. پس باید برای

جرم کارکردهای اجتماعی متصور شد. البته دورکیم، جرم را ستایش و تأیید نمی‌کند، بلکه به لحاظ عمومیت آن در همهٔ زمانها و جوامع، کارکردهایی برای آن در جامعه در نظر گرفته است. بدین ترتیب، عمومی بودن جرم در این نظریه، به معنای وجود افراد بیمار و منحرف که بر اساس دیدگاه مکتب تحقیقی، به دلیل اختلالات زیستی- روانی مرتکب جرم می‌شوند نیست، بلکه به این دلیل است که بزهداری در جوامع انسانی کارکردهای اجتماعی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۴۰۱-۴۰۲).

۳. پیشگیری در نظریهٔ مدیریت ریسک جرم

طرفداران کیفرشناسی نوین یا عدالت سنجشی، عدالت تخمینی یا محاسبه‌گر با نگاه نظارتی، کنترلی، مدیریتی و اقتصادی خود به بزهداری و بزهداران، معتقدند که نمی‌توان جرایم را کلاً محو کرد، بلکه باید آن را در سطح قابل تحمل برای جامعه کاهش داد. بدین منظور، باید گروه‌های خطر دار و افراد ریسک‌دار، از نظر ارتکاب جرم یا تکرار جرم را تحت نظر و کنترل قرار داد و به طرد بزهداران و توان‌گیری از خطرناکی مجرمانهٔ آنان توسل جست (ماری، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۹/۳۳۲ به بعد؛ جلالی ورنامخواستی، ۱۳۸۶: ۴۲/۱). این رویه‌ها و سیاستهای کنترل جرم، سازوکارهای حقوق کیفری و جرم‌شناسی را به منزلهٔ وسایل و ابزار مدیریت خطر یا ریسک جرم و تکرار جرم به کار می‌گیرند و از این رهگذر، آنها را از کارکرد اخلاقی و کارکردهای بازدارندگی و بالینی خود که در واقع ناظر به بازدارندگی و پیشگیری از تکرار جرم است دور می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲۳).

۴. پیشگیری در اندیشه‌های مارکسیستی

مارکسیستها نیز بر این اعتقادند که بزهداری، جزء ذاتی نظام سرمایه‌داری است و هر نوع اقدام پیشگیرانه در جوامع سرمایه‌داری، چیزی جز تلاش برای کنترل نیروی کار و طبقهٔ زحمتکش و کارگر به منظور استمرار یافتن سلطهٔ سرمایه‌داری نخواهد بود. بر اساس این دیدگاه، جرم ساخته و پرداختهٔ دست حکومت‌های سرمایه‌داری است و جرم‌انگاری جنبهٔ طبقاتی دارد و جز ابزاری برای حمایت از ارزشهای طبقهٔ حاکم نیست. به عبارت دیگر، جوامع سرمایه‌داری، به لحاظ ساختاری، نمی‌توانند عاری از جرم باشند و پیشگیری

از جرم نیز جنبهٔ روبنایی دارد. بنابراین با فروپاشی نظام سرمایه‌داری و استقرار نظام اشتراکی و سوسیالیستی، بزهداری خود به خود از میان خواهد رفت.

۵. پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی

بر اساس نظریه‌های مختلف جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، بین مجرم و غیر مجرم تفاوتی نیست و جرم نتیجهٔ نوع کارکرد نظام عدالت کیفری است. در این دیدگاه، رفتار مجرمانهٔ اشخاص، دیگر محصول تأثیر نوع بافت شهری، شهرنشینی، شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه حاصل فرایند پویا میان کنش افراد با اطرافیان خود و به ویژه ضابطان و نهادهای قضایی است. به عقیدهٔ این جرم‌شناسان، قانونگذار با جرم‌انگاری اعمال و رفتارهایی در چارچوب قوانین کیفری و با اعمال و اجرای این قوانین در جامعه، بعضی افراد را متصف به وصف بزهدار می‌کند. بدین ترتیب، این واکنش اجتماعی علیه جرم و نهادهای مربوط به آن است که بزه و بزهدار را به وجود می‌آورد و نه علل و عوامل شخصی و محیطی. با چنین انتقادی علمی - عقیدتی به جرم‌شناسی، پیشگیری از جرم دیگر موضوعیت خود را از دست می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳).

اما برعکس، همان‌طور که پیشتر گفته شد، تمام نظریه‌های علت‌شناسی با رویکرد روان‌شناسی - اجتماعی و نیز روان‌شناسی - اخلاقی بر این نکته تأکید دارند که پیشگیری از بزهداری، از لحاظ تجربی امکان‌پذیر است. همچنان که نظریه‌های تکمیلی پویایی عمل جنایی که به وضعیت پیش‌جنایی یا شخصیت مرتکب در گذر از اندیشه به فعل نقش اساسی قائل می‌شوند، را نیز باید به گروه اخیر افزود (سیگل، ۱۳۸۵: ۱۸۹ به بعد).

تا کنون برنامه‌های پیشگیری متعددی در دنیا و به ویژه در کشورهای غربی اجرا شده است (راهام، ۱۳۷۰). نتیجهٔ تحقیقات در مورد افزایش حضور «گشتهای پلیس» نیز به نوبهٔ خود، نشان داده است که جز در حالت «اشباع» حضور نیروهای پلیس در تمام سطوح جامعه، که البته بودجهٔ زیادی را به خود اختصاص خواهد داد، منجر به جابجایی بزهداری می‌گردد. البته در زمینهٔ اقدامات پیشگیرانهٔ ناظر به محدود کردن

فرصتهای مجرمانه (پیشگیری وضعی) نتایج امیدوارکننده‌ای به دست آمده است (CUSSON, 1994: 17). در نهایت اینکه با توجه به داده‌های نظری و عملی، چنین به نظر می‌رسد که اگرچه پیشگیری امری غیرممکن نیست، لیکن قلمرو اجرا و نتایج و آثار آن، نامحدود نمی‌باشد.

گستره محدودیت‌های پیشگیری

پیشگیری و کارایی آن با محدودیت‌هایی مختلف در حوزه‌های متعدد مواجه است. برخی از این محدودیت‌ها، به نوع جرایم، افراد و تابعان پیشگیری (انواع بزهکاران)، شیوه‌های مورد استفاده در پیشگیری از لحاظ امکان استفاده از آن در سطح گسترده و نه به صورت آزمایشی، هزینه‌های به کارگیری تدابیر مختلف و به حوزه حقوق و آزادیهای فردی مربوط می‌شود. برخی از این حقوق مطلق بوده (مانند حق بر عدم شکنجه) و امکان تحدید آن به بهانه پیشگیری وجود ندارد و محدودیت برخی دیگر که از حقوق نسبی (مانند آزادی بیان) محسوب می‌شود، مستلزم رعایت برخی شرایط است که در اسناد و موازین حقوق بشر بدان اشاره شده است. بدین ترتیب محدودیت‌ها را می‌توان در دو دسته محدودیت‌های جرم‌شناختی و محدودیت‌های حقوق بشری مورد بررسی قرار داد.

۱. محدودیت‌های جرم‌شناختی

بزهکاری به طور کلی، نتیجه تلاقی برخی از گونه‌های شخصیت با موقعیت‌های آسیب‌پذیر است، اما همه گونه‌های بزهکاری از این قاعده تبعیت نمی‌کند. به عبارت دیگر، شخصیت و موقعیتها بر حسب فروض مختلف، دسته‌بندی و در نتیجه راهکارهای پیشگیرانه متفاوتی را می‌طلبد: دسته‌بندی بزهکاران به مادرزاد، به عادت، بزهکار اتفاقی... یا جرایم بر اساس معیار سن، جنس، ملیت، ابزار مورد استفاده و یا دارا بودن بزه‌دیده... عمدتاً ملاحظات خاصی مانند پیشگیری و اصلاح مجرمان را دنبال می‌کند و نشان می‌دهد که از منظر جرم‌شناسی، پیشگیری از گونه‌های مختلف جرایم ملاحظات و محدودیت‌های خاص خود را دارد.

۱-۱. محدودیت در نوع جرایم

محدودیت اول به جرایم باز می‌گردد. همه جرایم از رهگذر جرم‌شناسی پیشگیرانه قابل پیشگیری نیست. از یک‌سو، برخی جرایم را فقط با سرکوبی کیفری از طریق بازدارندگی و اقدامات پلیس سرکوب‌گر (مانند اقدامات کنونی نسبت به اشکال مختلف تروریسم) می‌توان پیشگیری کرد. از سوی دیگر، در بین گروه اخیر نیز همه انواع جرایم مانند جرایم خلق الساعه و یا غیر عمدی با یک نوع اقدام قابل پیشگیری نیست.

۲-۱. محدودیت نسبت به افراد

محدودیت دوم به افراد برمی‌گردد. اگر عده‌ای از افراد نسبت به روشهای پیشگیری حساس می‌باشند، عده‌ای دیگر به دلیل نوع شخصیت، نسبت به اقدام پیشگیرانه، واکنش نشان نمی‌دهند. ارتکاب جرم، ممکن است نسبت به برخی از بزهکاران جنبه نمادین داشته باشد. یعنی فرد واقعاً به دنبال لذت نباشد، اما آن عمل را مرتکب می‌شود، زیرا از ارتکاب آن صرف نظر از آثارش لذت می‌برد یا با ارتکاب آن عمل، قدرت عمل خود را نشان می‌دهد. شاید به این ترتیب مجرم، تجربه محرومیت‌های خود را جبران کند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۷۵-۲۰۷۶).

۳-۱. محدودیت تکنیکها

امروزه متخصصان امنیت، از فنون و تدابیر مختلف وضعی که در صورت به کارگیری مناسب، موجب کاهش بزهکاری می‌شود، استفاده می‌کنند. در خصوص تکنیک‌های پیشگیری چند حالت می‌توان متصور شد: حالت اول، مجموعه‌ای از تدابیر عینی و تکنیک‌های بالقوه مؤثر ناظر بر ایجاد مانع در راه بزهکاری را مورد توجه قرار می‌دهد. در حالت دوم و به منظور کارایی بیشتر، ترکیب تدابیر پیشگیرانه در اولویت قرار می‌گیرد. حالت سوم، مربوط به زمانی است که یک متخصص پیشگیری، به دنبال یافتن یک راه حل پیشگیرانه مناسب نسبت به یک مسئله خاص است. اما باید خاطر نشان ساخت که از یک‌سو، همه روشها، مناسب نمی‌باشد. از سوی دیگر، اگرچه برخی از روشها مناسب است، لیکن هزینه

اجرای آن غیر قابل تأمین می‌باشد (WIKINS, 1967: 23-30). نکته بعدی این است که برخی از روشها، تأثیر نامطلوبی نسبت به برخی مجرمان بالقوه دارد و حتی ممکن است موجب توسعه احساس ناامنی مصنوعی در بین مردم گردد. ضمن اینکه برخی از فنون، به جای کاهش بزهکاری، موجب انتقال آن در مکان و زمان، و یا حتی تغییر ماهیت جرم شود (GRANDJEAN, 1992: 200). در نهایت اینکه برخی از تکنیکها می‌تواند موجب محدودیت در آزادی افراد شود.

۴-۱. کارایی مشروط

اگر پیشگیری همراه با سرکوبی نباشد، مثمر ثمر واقع نخواهد شد. هر چند عده زیادی از مدعیان پیشگیری، یک نظر مطلق و قاطع دارند. این عده یا در جبهه پیشگیری قرار می‌گیرند و یا در جبهه سرکوبی و رقیب خود را به اینکه مطلقاً «پیشگیری مدار» و یا «سرکوب مدار» است، متهم می‌کنند. صرف نظر از این بحث، مهمترین چالش این است که بینیم چگونه پیشگیری و سرکوبی با همدیگر ترکیب می‌شوند و چگونه به طور متقابل همدیگر را تکمیل می‌کنند و اینکه چگونه پلیس موفق به جمع پیشگیری و مجازات می‌شود. به عنوان مثال، مراقبت که یکی از اشکال پیشگیری بسیار رایج است، اگر همراه با سرکوبی نباشد نمی‌تواند دارای آثار باشد. به عبارتی دیگر، نمی‌تواند خاصیت و اثر خود را حفظ کند. بنابراین در صورت شکست تدابیر پیشگیرانه، جامعه خلع سلاح نشده است و سرکوبی را به عنوان آخرین سلاح در اختیار دارد. لذا موضع‌گیری و ترویج اندیشه ضرورت انتخاب این یا آن، (پیشگیری یا سرکوبی) غلط‌انداز و ظاهر فریب است (LAZERGES, 1988: 857-864). بنابراین می‌توان گفت که پیشگیری بدون سرکوبی، فاقد تأثیر و کارایی است (BONNEMAISON, 1985: 93-98; HUQ, 1992: 36-38).

۵-۱. محدودیت در تأمین امنیت پایدار

جامعه‌ای که تأمین نظم و امنیت آن منحصرأ به فناوریهای جدید پلیسی متکی باشد، آسیب‌پذیرتر است؛ زیرا هر لحظه ممکن است این فناوری از کار بیفتد؛ زیرا، یک فناوری در هر صورت از کار خواهد افتاد. همچنان که مواردی نیز وجود دارد که

هرگز پیش‌بینی نشده و راه حل آن نیز تدارک دیده نشده است. اگر بخواهیم مشکلات را فقط از طریق فناوریهای جدید حل کنیم، ممکن است به جامعه روباتها تبدیل شویم. لذا نباید صرفاً به فناوری تکیه کرد. باید از شهروندان نیز کمک خواست. داشتن فناوری دلیل استفاده افراطی و بی‌حد و مرز از آن نیست. در اینجا مسئولیت محققان سنگین‌تر است. کمک علم به سیاست امری است مطلوب، اما همیشه باید با هوشمندی همراه باشد. بنابراین در استفاده از فناوری جهت رفع کمبودهای نظام عدالت کیفری نباید قربانی خودتخریبی و خودویرانگری شویم.

۶-۱. کاهش میزان مشارکت مردم

با توسعه دوربینهای مراقبت، نقش مردم در تأمین امنیت کم‌رنگ می‌شود. در واقع این سازوکار که به منظور ایفای نقش بازدارندگی نسبت به بزهکاران مورد استفاده قرار می‌گیرد، اثر عکس خواهد گذاشت. در واقع در این حالت تأمین امنیت به دست یک اپراتور سپرده شده و در عمل شهروند از یک کنشگر به تماشاگر تبدیل شده است. در واقع مراقبت ویدئویی به نوعی در کاهش احساس مسئولیت افراد نسبت به موضوعاتی که در اطرافشان، آرامش آنان را تهدید می‌کند، شرکت کرده است. حال در این شرایط، چگونه می‌توان هم مدافع سرسخت مراقبت ویدئویی بود و هم ادعا کرد که پیشگیری امری مربوط به همه است. در واقع، این سازوکار به جای اینکه در خدمت بشر باشد در خدمت قدرت درآمده است.

۷-۱. محدودیت هزینه‌ها

به طور کلی همیشه این سؤال اساسی هم برای متولیان سیاست جنایی و هم متولیان پیشگیری مطرح بوده است که آیا افزایش وسایل و شیوه‌های تأمین امنیت به طور مؤثر امنیت مردم را تأمین خواهد کرد. هزینه‌های تأمین امنیت به طور مستمر در دنیا، به ویژه از حدود دو دهه پیش در کشورهای اروپایی، در حال افزایش است، که البته این امر همیشه مساعد با رفاه عامه مردم نیست. به عنوان مثال، پس از حوادث یازدهم سپتامبر جامعه اروپایی به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از جرایم،

سرمایه گذاری قابل توجهی در بخش امنیت انجام داد.^۱

در این چشم انداز، تصمیم گیران عمومی و خصوصی در استفاده از فناوری امنیت و به کارگیری مجهزترین آن تردید نکردند. نتیجه مستقیم این انتخاب افزایش هزینه‌هاست. هزینه امنیت و دادگستری در فرانسه در سال ۲۰۰۶، ۲۱/۳ میلیارد یورو، یعنی ۷٪ کل هزینه‌های دولت در این سال بود. بین سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴، میزان اعتبار اختصاص یافته به پلیس و ژاندارمری ۱۵٪ افزایش یافت و از ۱۳ میلیارد یورو به ۱۵ میلیارد یورو رسید. در سطح اروپا، بودجه پلیس تقریباً ۱۰٪ افزایش یافت (Atlas 2006, panorama, économie de marché de la sécurité). ضمن اینکه بازار امنیت نیز به بهانه مبارزه با جرایم گسترش یافت.

با وجود این، افزایش هزینه‌ها و نیروهای امنیتی ممکن است به دلیل نتایج عکس را به همراه داشته باشد.

همانند سایر قلمروها، افزایش قابل توجه هزینه امنیت ممکن است موجب کاهش کارایی سازمانی گردد. در واقع در این قبیل وضعیتهای معمولاً کنترل و ارزیابی مستقل از اقدامات پلیس به عمل نمی‌آید و خطاهای پلیسی افزایش می‌یابد. لذا مداخلات پلیس در محله‌های پرخطر و حساس می‌تواند همان چیزی را که می‌باید از آن پیشگیری کند، موجب شود.

در خصوص خشونت‌های شهری نوجوانان و جوانان، در ۵۴٪ از موارد، پلیس به طریقی در مرگ عده‌ای نقش داشته و بدین طریق منجر به گسترش و شیوع شورشهای شهری شده است. شورش نوجوانان و جوانان در فرانسه بین سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ و نیز شروع شورشهای ۲۰۰۵ فرانسه به همین موضوع برمی‌گردد (Ibid).

۸-۱. جابه‌جایی بزهکاری

جابه‌جایی بزهکاری، یعنی واکنش بزهکاران در مواجهه با یک سازوکار پیشگیری وضعی و ارتکاب جرم در جای دیگر، در زمان دیگر و به شیوه دیگر یا نسبت به آماج (استعدادها یا بزه‌دیده) دیگر.

۱. هزینه حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا، حدود یکصد میلیارد یورو برآورد شد.

اگر در تحلیل علل بزهکاری، از پیش آمادگیهای فردی سخن به میان می‌آید، حمایت‌های وضعی فقط می‌تواند موجب جابه‌جایی بزهکاری گردد. البته این تصویر از بزهکار که تحت یک میل و انگیزه، تا رسیدن به هدف، به فعالیت خود ادامه می‌دهد، میراث تفکر لومبروزو است و با واقعیت سازگاری ندارد. بزهکار قبل از اینکه بزهکار باشد، یک انسان است. وی برای رسیدن به اهدافش از راحت‌ترین شیوه‌ها استفاده می‌کند؛ خودش را با موقعیتهای هماهنگ و منطبق می‌کند؛ بر مبنای محاسبه هزینه-فایده اقدام می‌کند و در واقع به طور جبری و اجتناب‌ناپذیر مرتکب جرم نمی‌شود. وی بر مبنای قرائتش از موقعیت و راه‌حلهای مناسب با آن اقدام می‌کند. لذا چنانچه به دلیل به کارگیری یک تدبیر وضعی، جرم مورد نظر منافع زیادی برای او نداشته باشد یا پرخطر باشد، امکانهای دیگر را بررسی می‌کند. او ممکن است:

۱- همین نوع جرم یا جرم مشابه را جای دیگر و به نحو دیگر مرتکب شود؛ یا بدتر از آن ممکن است یک جرم شدیدتر مرتکب شود (جابه‌جایی بزهکاری)؛

۲- مرتکب جرم دیگر شود که به نسبت جرم اول خفیف‌تر است.

۳- از طرح خود صرف نظر کند و راه‌حلهای غیر مجرمانه انتخاب کند. این اثر مطلوب پیشگیری است. چنانچه عده‌ای قابل توجه از بزهکاران راه حل دوم یا سوم را انتخاب کنند، مقصود یا فایده پیشگیرانه حاصل شده است (GRANDJEAN, 1992: 205).

اما آیا فرضیه جابه‌جایی ۱۰۰٪ درست است؟ برای اینکه این فرضیه صحیح باشد، افراد نباید از اجرایی کردن طرح خود صرف نظر کنند و از طریق شیوه‌های مجرمانه مختلف، طرح خود را اجرا کنند. قبل از هر چیز باید دید وضعیت در عمل به چه صورت است؟ در واقع برخی اوقات بزهکاران، به یک اقدام پیشگیرانه واکنش نشان داده و در جایی دیگر یا نوع دیگر اقدام می‌کنند. در نیویورک به خاطر اینکه رانندگان اتوبوس پول نقد همراه نداشته باشند و آماج سارقان قرار نگیرند، طی تصمیمی از فروش بلیط توسط این رانندگان جلوگیری شد. متعاقب این عمل از میزان این نوع سرقت به طور قابل توجه کاسته شد، ولی میزان سرقت‌های ارتكابی در مترو افزایش یافت. در انگلستان نصب سازوکارهای ضد سرقت روی اتومبیلها در سال ۱۹۶۰ به طور قابل توجهی میزان سرقت اتومبیلهای جدید را کاهش

داد. میزان سرقت مدل‌های قدیمی و حمایت‌نشده نیز در همین دوره کاهش یافت. بدین ترتیب، جابه‌جایی بزه‌کاری، همیشه وجود نداشت و زمانی که کشف می‌شد نیز به میزان صد درصد نبود. در ۲۲ مورد از ۵۵ مورد مطالعه، هیچ جابه‌جایی اعلام نشده بود و در ۳۳ مورد دیگر نیز، جابه‌جایی در حد ۱۰۰٪ نبود. در آلمان، زمانی که دولت نصب ضد سرقت روی اتومبیل‌های جدید و فرسوده را الزامی کرد، میزان سرقت بدون جابه‌جایی کاهش یافت (BETIN, 2003: 1/3-24).

از این مثال می‌توان اصل اشباع را استخراج کرد: هرچه آماج‌های حمایت‌شده توسط تدابیر وضعی بیشتر باشد، جابه‌جایی کمتری رخ خواهد داد. زمانی که بیشتر ساکنان یک شهر کوچک اموال خود را علامت‌گذاری کرده باشند، سارقان به راحتی نمی‌توانند سیل‌های جذاب و جالب پیدا کنند. لذا برای یافتن مجموعه‌های مسکونی و اموال حمایت‌نشده باید مدتهای زیاد جستجو کنند و یا به شهر و مکان دیگری بروند که این خود بازدارنده است. در حالت عکس، یعنی جایی که فقط تعداد کمی از آپارتمانها حفاظت و حمایت شده باشند، سارقان می‌توانند بدون زحمت و صرف وقت، آماج جدید پیدا کنند. در واقع، متغیر زمان برای بزه‌کاران اتفاقی، امری اساسی است. آنان، قاطعیت و پشتکار لازم را برای صرف وقت جهت یافتن آماجی که مناسبشان باشد، ندارند. (مانند صید ماهی در کنار دریا) در واقع اگر برای صید احتمالی یک ماهی، ساعتها انتظار لازم نبود، ماهی‌گیران زیادی به صف می‌شدند.

از سویی، توزیع منافع یک تدبیر وضعی، نقطه عکس جابه‌جایی بزه‌کاری است و آن زمانی است که اثر پیشگیرانه یک تدبیر یا یک برنامه در بخش یا نسبت به سیل حمایت‌شده به بخشهای (یا سیل) حمایت‌نشده یا از یک نوع از جرم به جرم دیگر گسترش می‌یابد. مثال زیر در همین باره است.

در طول تابستان ۱۹۸۲، یک سیستم کشف الکترونیکی در کتابخانه دانشگاه Wisconsin در Whitwater نصب شد. در این برنامه وسایل سمعی-بصری (کاست، دیسک و غیره) تحت حمایت سیستم جدید قرار نگرفت، زیرا جریان مغناطیسی محتوای آنها را پاک می‌کرد. برای ارزیابی تأثیر سیستم امنیت الکترونیک، دو دوره قبل و پس از نصب سیستم مورد مقایسه قرار گرفت.

میزان اسناد گم‌شده قبل و بعد از نصب آشکارسازهای الکترونیک

سال	میزان اسناد گم‌شده بعد از نصب		میزان اسناد گم‌شده قبل از نصب	
	۱۹۸۳-۱۹۸۲	۱۹۸۴-۱۹۸۳	۱۹۸۱-۱۹۸۰	۱۹۸۱-۱۹۸۲
چاپی	۳۱	۴۵	۲۶۸	۱۵۴
بصری	۳۳	۲۴	۱۲۴	۹۴

بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴ میزان امانات اسناد سمعی و بصری ۸٪ و چاپی ۲۵٪ افزایش یافت. بین این دو سال میزان سرقت اسناد سمعی و بصری، همانند اسناد تحت حمایت سیستم کشف، به طور قابل توجهی کاهش یافت. یعنی اسناد سمعی و بصری حمایت‌نشده از چتر حمایتی کتابها استفاده کردند (CUSSON, 1994: 50).

اما به طور کلی پیشگیری وضعی مستلزم سرمایه‌گذاری است. نصب دزدگیر بر روی خودرو یک هزینه اضافی بر مالک خودرو تحمیل می‌کند. نصب دوربین و استخدام سرایدار متضمن هزینه‌ای است که ممکن است تمام اهالی یک مجتمع مسکونی قادر به پرداخت آن نباشند. از این رو، می‌توان گفت که پیشگیری وضعی نوعی تبعیض امنیتی در برابر افراد نیز ایجاد می‌کند و افراد ثروتمند و دولتهای ثروتمند بهتر می‌توانند خود را در برابر جرم مصون نگاه دارند.

اما عمده محدودیت‌های دولتها در پیشگیری از جرم به تعهدات آنها نسبت به رعایت حقوق و آزادیهای قانونی افراد برمی‌گردد. البته برخی از حقوق نیز همانند حق عدم شکنجه مطلق بوده و هیچ‌گونه محدودیتی بر آن بار نخواهد شد.

۲. محدودیت‌های حقوق بشری

پیشگیری وضعی عبارت است از تغییر در موقعیت‌های خاصی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، به منظور دشوار کردن، پرخطر کردن یا جاذبه‌زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب دارند (گسن، ۱۳۷۶: ش ۱۹-۲۰/۶۰۷۲-۶۲۸). در واقع تدابیر ناظر به دشوار و پرخطر کردن یا جاذبه‌زدایی، تصمیم بزه‌کار بالقوه به گذر از اندیشه به فعل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از راههای افزایش خطر ارتکاب جرم، در پیشگیری وضعی، مراقبت و کنترل می‌باشد. یعنی با ایجاد خطر بیشتر در وضعیت

پیش‌جنایی به ارباب بزهکاران بالقوه پرداخته می‌شود. این مراقبت گاه توسط افراد، گاه با توسل به فناوریهای نوین و بعضاً به صورت ترکیب هر دو، انجام می‌شود. مراقبت به دنبال ارائه این پیام به بزهکار بالقوه است که در صورت گذر از اندیشه به عمل، مشاهده، کنترل و دستگیر خواهد شد. بنابراین، با القای این حس و انتقال پیام، بزهکار با توجه به خطر دستگیری یا شرمساری ناشی از احتمال مشاهده شدن، به تردید می‌افتد. مراقبت و کنترل، در واقع، یکی از عناصر سازوکار کنترل اجتماعی کلاسیک و مشتمل بر قواعد و ضمانت اجراست؛ بدین ترتیب که یک مقام یا نهاد یک قاعده وضع می‌کند؛ از طریق مراقبت، از رعایت آن مطمئن می‌شود و نقض‌کنندگان آن را مجازات می‌کند (پاسخ می‌دهد). این سه عنصر مکمل همدیگر می‌باشند: بدون قاعده و قانون، مراقبت فاقد مبنا و اعمال ضمانت اجرا، ناعادلانه خواهد بود. بدون مراقبت، جرایم کشف نخواهد شد و بدون ضمانت اجرا، کسی رعایت قواعد را جدی نخواهد گرفت. بعضاً پیش می‌آید که یک مراقبت بدون ضمانت اجرا موقتاً در انصراف بزهکاران مؤثر واقع می‌شود ولی، مراقبتی که به مشاهده بدون واکنش اکتفا می‌کنند، به مرور زمان، این حس را ایجاد می‌کنند که این قاعده یا قانون لازم‌الاجرا نیست.

موقعیتهایی که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، باید تحت یک مراقبت و کنترل دقیق باشند. در این حالت بزهکاران، به هنگام سرقت، خطر دستگیری را بالا احساس می‌کنند و از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند. کنشگران اجتماعی از قبیل نیروهای پلیس، نگهبانان، سرایداران و فروشندگان در بوتیکها که وظیفه مراقبت را بر عهده دارند، متعدد می‌باشند. این دسته توسط سیستمهای الکترونیک از قبیل دوربین، هشداردهنده‌ها و آشکارسازها مورد حمایت قرار می‌گیرند. این مراقبتها، احتمال دستگیری و مجازات را افزایش می‌دهد و نشان می‌دهد که این موقعیت مورد حمایت و تحت مراقبت قرار دارد. اما نکته اساسی این است که این تدابیر گرچه در افزایش احتمال دستگیری و برهم زدن معادله هزینه-فایده مؤثر است، لیکن در عمل ممکن است به مرور زمان موجب شکل‌گیری جامعه تحت کنترل و تحدید حقوق بنیادین افراد گردد.

۱-۲. جامعه تحت کنترل

مبارزه مؤثر با بزهکاری مستلزم یک مطالعه مقدماتی جرم به منظور شناخت محل و مکان ارتکاب آن می‌باشد، اما تعیین محل استقرار تجهیزات مراقبت بستگی به این امر دارد که آیا هدف تحت پوشش قرار دادن همه نقاط یک شهر است یا خیر؟ برخی از دولتها به لحاظ نوع ایدئولوژی حاکم یا به دلایل اقتصادی، دست به انتخاب حداقلی می‌زنند. در این فرض، با توجه به احتمال تعرض به آزادیهای عمومی، فقط نقاط حساس شهر از لحاظ میزان ارتکاب جرم و خشونت به دوربین مجهز می‌شود. برخی از کشورها رویکرد بینابین انتخاب می‌کنند. بدین توضیح که نسبت به نصب نظام مند دوربین در مکانهایی مانند بانکها، داروخانه‌ها و مؤسسات مالی و پراهمیت اقدام می‌کنند. اما برخی از کشورها با هدف کنترل مؤثر، در ساختمانهای مرتفع دوربینهایی را نصب می‌کنند تا رفت و آمد افراد مظنون یا مرتکبان جرم را تحت نظارت داشته باشند. بنابراین نوع استفاده از آن، از ملاحظات سیاسی - امنیتی تبعیت می‌کند. در هر صورت، رویکرد استفاده حداکثری و نیز رویکرد بینابین برای آزادیهای فردی خطرناک است. زیرا احتمال سوء استفاده از آن و نیز انحراف از هدف اصلی وجود دارد. بنابراین صرفاً استفاده منطقی و معقول از آن در اماکن حساس و جرم‌زا مانند محیطهای تجاری مفید است. ولی به طور کلی دوربینهای مراقبت از همان محدودیتهای پلیس برخوردار است. اخیراً استفاده کشورها از ماهواره نیز به عنوان یک ابزار پیشگیرانه افزایش یافته است. در واقع پرتاب ماهواره در فضا فایده امنیتی نیز دارد؛ از این طریق می‌توان از قاچاق دریایی، قاچاق اتومبیل، قاچاق مهاجران، زنان و کودکان اطلاع حاصل نمود. در این زمینه سیستمهای مختلفی وجود دارد که مشهورترین آنها (GPS)، یا سیستم محل‌یابی جهانی است که توسط آمریکا پرتاب شده است. اروپا نیز مدتی است به دنبال راه‌اندازی سیستمی به نام گالیله است. بدین ترتیب ابزارهای مراقبت در عمل، به پوششی برای کنترل افراد تبدیل می‌گردد. نتیجه طبیعی این وضعیت افزایش احتمال تعرض به حریم خصوصی افراد، انتقال احساس ناامنی به شهروندان و کاهش مشارکت آنان در برنامه‌های پیشگیرانه خواهد بود.

۲-۲. تعرض به زندگی خصوصی

به طور کلی عمل ثبت، ضبط یا انتشار تصویر یک شخص که در یک محل خصوصی قرار دارد، بدون رضایت وی، یک صدمه به زندگی خصوصی است (دوآ، ۱۳۸۲: ۲۲۶). این در حالی است که حق رعایت و احترام به زندگی خصوصی یکی از حقوق بنیادین محسوب می‌شود. ماده هفده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مداخله در زندگی خصوصی افراد از طریق انواع مراقبت را منع کرده است. لذا بر این اساس نمی‌توان هویت کسی را برملا کرد. یک زوج جوان انتظار ندارند که تمام حرکات آنها، تنها به این دلیل ساده که در یک مکان عمومی هستند، ثبت و ضبط شود. دوربینهای مراقبت امروزه این توانایی را دارد که تمام حرکات و رفت و آمدهای شهروندان را کنترل کند.

در سال ۱۹۶۸ قانونی در کشور آلمان با هدف پیشگیری از جرم، به تصویب رسید که بر اساس آن شهود مکالمات تلفنی و تفتیش و بررسی بسته‌های پستی مجاز شده بود. چهار حقوقدان، ابتدا در آلمان (دادگاه قانون اساسی) سپس در دادگاه اروپایی حقوق بشر، با توجه به نقض حقوق زندگی خصوصی، تقاضای لغو آن را کردند. دادگاههای آلمان آنان را به دلیل اینکه آنان بزه‌دیده این نقض نمی‌باشند، ذی‌نفع ندانست و درخواست آنان را رد کرد. ولی دادگاه اروپایی این درخواست را با استدلال ذیل پذیرفت: اگر دولتها از طریق تدابیر مراقبتی بخواهند از کنترل دیوان خارج شوند، هدف حمایت از حقوق بشر که مورد نظر دیوان است، محقق نخواهد شد. لذا هر کدام از درخواست کنندگان، حق دارند اعلام کنند که بزه‌دیده نقض این حقوق می‌باشند.

دیوان در نهایت نظر داد که رویه‌ها و اقدامات پیشگیرانه باید اصول شناخته‌شده عدالت و حقوق بشر را رعایت کنند.

یا اینکه به دنبال حملات سپتامبر سال ۲۰۰۱، دولت آمریکا دسترسی به اطلاعات شخصی مسافران به این کشور را طی قانون امنیت‌پرداز و حمل و نقل تاریخ نوزدهم نوامبر ۲۰۰۱ و قانون پنجم می ۲۰۰۲ الزامی کرد. این قانون مقرر می‌دارد که از تاریخ پنجم مارس ۲۰۰۳، شرکتهای هوایی باید برخی اطلاعات مربوط به مسافران

را مطالبه کنند. این اطلاعات که «P. N. R» خوانده می‌شود به واحدهای مربوط به خدمات هوایی (از آژانس مسافرتی تا نیروهای خدمات در فرودگاه) اجازه می‌دهد تا ضمن شناسایی مسافر، از پرواز او، رفت و آمدش، پرواز ترانزیت، خدمات اختصاصی خواسته‌شده توسط او، تماسهای تلفنی او پیش از نشستن روی زمین، پرداختها، رزرو هتل، اتومبیل، نوع غذا و... مطلع شوند. بدیهی است دسترسی به این اطلاعات می‌تواند به حریم زندگی خصوصی مسافران به بهانه پیشگیری از جرم لطمه وارد کند. در عمل میزان اشتباه این برنامه‌ها - استفاده از فناوریهای نوین و بانک داده‌ها بسیار زیاد است، به طوری که در صورت ایجاد شک و تردید از سوار شدن مسافر در هواپیما جلوگیری می‌شود. عده‌ای زیاد از همین طریق و بدون ارائه توضیح مناسب از فرودگاه برگردانده شده‌اند و ممکن است چند هفته‌ای طول بکشد تا فرد دوباره سوار هواپیما بشود. ضمن اینکه شبکه‌های تروریستی از سیستمهای دفاعی مطلعند و از افراد غیر مشهور در حملات خود استفاده می‌کنند.

در واقع از حدود دهه شصت، توسعه فزاینده فناوری جدید موجب شده است که «دیوار بلند و ضخیم زندگی خصوصی» بیش از پیش «شفاف» گردد (7: GASSIN, 1999)، به طوری که به عنوان مثال در کشور انگلستان نزدیک به چهار میلیون دوربین، کنترل مکانهای عمومی را تحت نظر دارند. هر شهروند انگلیسی سیصد بار در روز با حدود سی شبکه عکس‌برداری می‌شود. هفتصد دوربین نیز پلاک اتومبیلهایی را که در شهر لندن وارد می‌شوند، برای بررسی پرداخت مالیات کنترل می‌کنند (153: WEYEMBERGH, 2002). به همین دلیل انگلستان در ترجیح رویکرد امنیتی بر مبنای فناوری مشهور می‌باشد. بدین ترتیب، علی‌رغم اینکه دشواری دست یافتن به تعادل بین امنیت و آزادی از دهه گذشته به لحاظ افزایش جرایم خشونت‌آمیز بیشتر شده است، نباید با توسعه تدابیر استثنایی، حقوق بنیادین افراد را در کارزار امنیت قربانی کرد. اما به منظور پیشگیری از سوء استفاده احتمالی از مراقبتهای پیشگیرانه وضعی تدابیری قابل تصور است.

۱. تابلوهای اطلاع‌رسانی، باید به طور صریح وجود دوربینهای مراقبت را به مردم اطلاع دهند تا این وسیله به ابزار سرکوبی تبدیل نگردد.
۲. پیش‌بینی قانونی حق دسترسی افراد به اطلاعات ثبت شده.
۳. پیش‌بینی قانونی حق بزه‌دیده سوء استفاده از این سازوکار برای مراجعه به دادگاه.

۳-۲. توسعه تدابیر استثنایی

جامعه معاصر از توسعه تدابیر و تشکیلات استثنایی ترس دارد. این تدابیر استثنایی دولتهای دموکراتیک را به برقراری حالت فوق‌العاده عادت می‌دهد. وضعیتی که هر نوع اقدام ظاهراً مشکوک را به بهانه پیشگیری سرکوب می‌کند. خطر این است که این وضعیتهای استثنایی تبدیل به اصل شود و کشورها را در حالت جنگ قرار دهد، حال آنکه در واقع، ممکن است عملاً تهدیدی وجود نداشته باشد. طولانی کردن دوره تحت نظر، محدود کردن حقوق دفاعی و کاهش قدرت قاضی به نفع دادسرا و پلیس از ویژگیهای قانونگذاریهای استثنایی است. این تدابیر به نام مبارزه با جرم و با هدف کنترل افراد جهت پیشگیری از جرم اتخاذ می‌شود.

۴-۲. کنترل و محدودیت در آزادیهای فردی

به نام امنیت و نظم عمومی و به بهانه آن ممکن است حقوق بنیادین اشخاص نقض گردد. به عنوان مثال به هنگام برگزاری اجلاس سران کشورهای صنعتی با موضوع جهانی شدن، معمولاً مخالفان این جریان به منظور اعلام مخالفت، از کشورهای مختلف با حضور در محل اجلاس، به تظاهرات می‌پردازند. در این وضعیت، کشورها به نام نظم عمومی و پیشگیری از جرم، مانع رفت و آمد آزادانه اشخاص شده و از خروج آنها از مرز جلوگیری می‌کنند. در صورتی که به طور طبیعی، اکثر تظاهرات با عدم رعایت نظم عمومی همراه می‌شود. لذا حق اعتراض و نیز آزادی رفت و آمد در این شرایط به طور جدی محدود می‌گردد. از طرفی اخذ اطلاعات شخصی تظاهرکنندگان و استفاده از آن برای زندگی خصوصی آنان یک خطر محسوب می‌شود.

بنابراین سازوکارهای امنیت نباید مانع رفت و آمد و نیز مبادلات افراد گردد. مثلاً اجباری کردن پاسپورتهای بیومتریک رفت و آمد به آمریکا را با مشکل مواجه

کرده است. از اکتبر ۲۰۰۵ هر فرد خارجی برای ورود به خاک آمریکا باید دارای پاسپورت فوق باشد. عده زیادی به همین دلیل نمی‌توانند به موقع، ویزای خود را دریافت کنند. لذا این سازوکار در کوتاه‌مدت مانع جابه‌جایی افراد می‌گردد. همچنان که در درازمدت نیز کنترل مرزها می‌تواند در سرعت و سهولت جابه‌جایی اموال و اشخاص مانع ایجاد کند و در نهایت موجب کاهش تجارت جهانی گردد. در واقع می‌توان گفت که هرچه وسایل تأمین امنیت افزایش یابد، افراد کمتر حمایت می‌شوند. بسیاری از سازوکارهای امنیت می‌تواند به آزادیهای فردی، فعالیتهای اقتصادی و حتی امنیت افراد صدمه وارد کند. از طرفی، ظرف چند سال گذشته، تمایل دولتها به استفاده بیشتر از تدابیر فنی به نسبت تدابیر اجتماعی، بیشتر شده است.

نتیجه

از زمان ظهور مکتب تحقیقی، به ویژه، آنریکو فری، این جریان فکری که نیازی به توجیه پیشگیری از جرم وجود ندارد، توسعه یافت، تا جایی که توسل به پیشگیری و اعتبار آن یک امر بدیهی تلقی گردید. در تأیید این امر، به جمله مشهور «پیشگیری بهتر از سرکوب است»، نیز استناد می‌شد، اما مطالب پیش گفته، به معنای این نبود که هر امری در زمینه پیشگیری ممکن می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های مورد اشاره، نشان می‌دهد که کارایی پیشگیری با محدودیتهای راجع به نوع جرم، بزهکاران و گونه‌های پیشگیری و نیز محدودیتهای حقوق بشری مواجه است. در واقع تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری باید از برخی محدودیتهای تبعیت کند. زیرا هدف پیشگیری نمی‌تواند به هر قیمتی حاصل شود و برای رسیدن به آن هدف نباید هر وسیله و هر اقدامی را توصیه کرد. به عبارت دیگر راه حل مبارزه با جرم، نقض حقوق بنیادین بشر نیست. تأمین و رعایت این حقوق، خود یک راه حل پیشگیرانه می‌باشد. حقوق بنیادین افراد نباید به بهانه کارایی راه‌های مبارزه با جرم نادیده گرفته شود. تأمین و تقویت حقوق بنیادین شهروندان، در درازمدت خود بهترین راه حل مبارزه با جرم خواهد بود.

- Hurtubise, 2005.
19. FAGET, J., *Sociologie de la délinquance et de la Justice Pénale/ Trajets/ Ed. Eres/ (Francel)*, 2002.
20. GASSIN, RAYMOND, préface, in, LOLIES, Isabelle, *la protection pénale de la vie privée*, PUAM. 1999.
21. GRANDJEAN, C., «*Attaque à main armée contre les établissements bancaires en Suisse et mesure de sécurité, une étude empirique de la problématique du déplacement et de l'escalade de la violence*», RICPT, 1992.
22. HUQ, E., «*le difficile équilibre entre prévention et répression*», RIPC, jariv- fevr, 1992.
23. LAZERGES, Christine, «*Les fonction de la peine et la toxicomanie*», RSC, 1988.
24. NUVOLONE, P., «*prévention du crime et causalité*», in libre amicorum, Hermann Bekaert, 1977.
25. WEYEMBERGH, Anne, «*l'impact du 11 Septembre sur l'équilibre sécurité/liberté dans l'espace pénal européen*», in Emmanuelle Bribosia et WEYEMBERGH, lutte contre le terrorisme et droits fondamentaux, 2002, Bruylant, Bruxel.
26. WIKINS, L-T., «*La prévention et le coût de crime dans la planification nationale*», RIPC, 1967.

کتاب‌شناسی

۱. جلالی ورنامخواستی، مصطفی، «ارزیابی خطر جرم در نظام عدالت کیفری»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۲. دوا، آرت هیمن، *آزادیهای عمومی و حقوق بشر*، ترجمه یوسف مولایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۱۳۸۲ ش.
۳. راهام، جان، «راهبردهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی»، ترجمه مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران (منتشر نشده).
۴. سیگل، لاری، جی، «جرم‌شناسی»، ترجمه یاشار سیف‌الهی، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۵. صفاری، علی، «امانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره‌های ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰ ش.
۶. کوسن، موريس، *اصول جرم‌شناسی*، ترجمه روح‌الله صدیق، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵ ش.
۷. گسن، ریمون، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل جرم»، ترجمه نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره‌های ۱۹-۲۰.
۸. ماری، فیلیپ، «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه کاشفی اسماعیل‌زاده، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره‌های ۴۸-۴۹، ۱۳۸۳ ش.
۹. میرخلیلی، سیدمحمود، «پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، *مجله فقه و حقوق*، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی»، *مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی*، تهران، گرایش، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. همو، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. همو، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات جزوه درس جامعه‌شناسی جنایی)، نگاشته رزیتا دارویی، ویراست پنجم، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. همو، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات جزوه درس جامعه‌شناسی جنایی)، نگاشته مهدی صبورپور، ویراست پنجم، ۱۳۸۷ ش.
14. Atlas 2006, Panorama économique du marché de la sécurité, paris, en tout sécurité. Technopresse
15. BETIN, Christohe, MARTINAIS, Emmanuel et RENARD, Marie-christine, *sécurité, vidéosurveillance et construction de la déviance*, Déviance et société, vol. 1, 2003.
16. BONNEMAISON, «*la complémentarité prévention - répression*», Rev/ pol, nat, nov, 1985.
17. CUSSON, Maurice et all, *La planification et l'évaluation de projets en prévention du crime*, université de montréal, école de criminologie, 1994.
18. CUSSON, Maurice, *la délinquance, une vie choisie entre plaisir et crime*, édition